

## نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

### ادبیات پایداری؛ تعاریف و حدود\* (علمی- پژوهشی)

دکتر احمد امیری خراسانی

استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

فاطمه هدایتی

کارشناس ارشد ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

#### چکیده

حوادث بزرگ دوران، ادبیات آن دوران را رقم می زنند؛ و به فراخور حادثه، نامی بر آن ادبیات می گذارند. پس از انقلاب اسلامی و تحولات پیوسته با آن، از جمله جنگ هشت ساله عراق علیه ایران و دفاع همه جانبه ملت ایران و تبعات فراگیر آن، گستردگی موضوعات مطرح شده از سویی و تنوع نگرش اندیشمندان، محققان و ادیبان از سوی دیگر منجر به تکثیر و تعدد نام و عنوان بر سر دفتر ادبیات آن ایام شده است. وجود اصطلاحاتی چون ادبیات متعهد و ملتزم، ادبیات پایداری، ادبیات جنگ، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات مقاومت؛ به ویژه دایر شدن رشته ای خاص تحت عنوان ادبیات پایداری در دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه های کشور، باعث شد تا به ضرورت موضوع، حدود و مرز بندی این اصطلاحات را از جوانب گوناگون مورد واکاوی و ارزیابی قرار دهیم و مصادیق صحیح هر یک را با توجه به تعاریف مطرح شده از دیدگاه محققان و پژوهشگران مشخص نماییم. در این پژوهش ابتدا تعریف این اصطلاحات از منابع متفاوت فرهنگ لغت استخراج و سپس با کاربردهای گوناگون آن در پژوهش های مختلف مطابقت داده شده است تا مرزهای تعاریف و حدود علمی و ادبی آن تا اندازه ای مشخص گردد.

**واژه های کلیدی:** ادبیات پایداری، ادبیات مقاومت، ادبیات جنگ، ادبیات

متعهد، ادبیات دفاع مقدس، مرز بندی تعاریف.

## ۱- مقدمه

تحولات بزرگ و انقلاب‌های سرنوشت ساز تاریخ جوامع بشری، بنیان‌های سست گذشته را تخریب و بنیانی نو بر اساس تفکرات و تحولات جدید پایه‌ریزی می‌کنند. در اثنای این تحولات، آنچه امری مسلم، قطعی و خدشه‌ناپذیر می‌نماید؛ تغییر و دگرگونی بنیان‌های ادبی، فرهنگی و هنری جوامع است. عرصه فرهنگ و ادبیات، عرصه عرضه تمام دستاوردهای انقلاب جوامع است. عرضه‌ای که گاه از گذشته‌های دور آغاز می‌شود، حوزه حال را در بر می‌گیرد و به آینده‌ای نزدیک پیوند می‌خورد تا در خط سیر زمان، مسیر تکامل یک رویداد سرنوشت ساز را نشان دهد. رویدادی که در ضمیر خویش با همه علل و عوامل ایجاد، با همه تأثیر و نقش آفرینی در حوزه‌های متفاوت؛ با همه نقص‌ها و نقش‌ها و پی‌آمدها و جوانب، در افت و خیز و فراز و فرود ناگزیر خویش، انسان را در مسیر رشد و کمال تعریف کرده و پیش می‌برد. تحولات درونی انسان‌ها، آفریننده دگرگونی‌های بیرونی و تحولات بیرونی، رقم زننده احساسات، تصمیم‌ها، تفکرات و آینده‌سازی‌ها در سرنوشت جوامع انسانی است. یکی از این تحولات عظیم در جامعه ایران، انقلاب اسلامی است. این دستاورد بزرگ، نشان رشدیافتگی و کمال‌طلبی جامعه ایرانی در مسیر تفکر اسلامی بود. یکی از پیامدهای این دگرگونی بزرگ در جهان، ادامه یافتن حملات دشمنان هم‌پیمان در لباس حمله نظامی هشت ساله و پوشاندن لباس رزم و جهاد و شهادت بر تن ملتی بود که در مسیر کمال جامعه و رشد خویش به شیوه‌ای دیگر در عرصه جهادی برتر به پیکار با باطل پرداختند.

در همارة زندگی بشر و در آمد و شد پیکارهای بیرونی و درونی در تمام عصرها، قلم سلاح توانمندی بوده است گاه برآن تر از شمشیر، و تا جهان بشریت باقی است پیکار حق و باطل و خیر و شر نیز در لباس‌های متفاوت و هم‌رنگ زمان نیز باقی است؛ و انسان در جستجوی حقیقت و کمال، بازتاب پیکار خویش با باطل را با سلاح قلم مکتوب می‌کند تا آنچه کرده است و راهی را که با خون شسته است برای آنان که در چرخه هستی و در مسیر تکامل خویش در همین مسیر گام می‌نهند و با باطل روبرو می‌شوند، ماندگار کند. در جریان جنگ تحمیلی و

دفاع هشت ساله ملت ایران، فرهنگ و باورهای اصیل اسلامی از دل این حرکت عظیم جهادی جوشید و به قلم اهالی ادبیات در تاریخ ادبیات ایران ثبت شد. از سویی قلم به داستان اهل دل و از دیگر سو مخالفان زاویه نگر، هم در بطن حادثه و هم پس از آن، با گسترش جوانب و بسط زوایا، به انتقال و بازگو کردن این شبکه عظیم فرهنگی دست زدند. به گفته دکتر سنگری «هشت سال دفاع مقدس که با فاصله زمانی کوتاه پس از وقوع انقلاب اسلامی - نوزده ماه - آغاز شد و با پذیرش قطعنامه در بیست و هفتم تیر ماه توقف نسبی یافت، همراه با خود جریان نیرومند فرهنگی؛ در حوزه شعر، قصه، نمایشنامه، نقاشی، سینما و تئاتر را به وجود آورد که تجربه‌هایی تازه و بدیع در لابلاهای شبکه عظیم فرهنگی آن می‌توان یافت. مطالعه، تحلیل، تحقیق، تبیین و نقد و بررسی همه سو نگرانه و شناخت و بازیافت این حادثه عظیم در همه ابعاد بایسته و ضروری است (سنگری، ۱۳۸۰: ۹).

در فرایند تحلیل و تبیین و بازنمایی و بازگویی حوادث هشت ساله در حوزه ادبیات، پژوهشگران و صاحب نظران هر یک به فراخور دریافت و حوزه مورد مطالعه خویش بر سر دفتر آن ایام عنوانی نهاده‌اند تا در ذیل آن، به بازنمود فضاهای متفاوت عاطفی، تخیلی، زبانی و بیانی ادبیات آن ایام پردازند. با گذشت زمان و فاصله گرفتن از آن روزها، پرونده پر ورق ادبیات آن ایام قطورتر و سنگین‌تر شد و به موازات رشد زوایای دید و گسترش نوشتار در حوزه این تحول بزرگ اجتماعی؛ نویسندگان، اندیشمندان و صاحب نظران، نام‌هایی متفاوت اما شبیه به هم از نظر مضمون و ترکیب سازی به کار بردند؛ تا جایی که تنوع موضوعات مطرح شده منجر به تکثیر عناوین به ادبیات جنگ، ادبیات پایداری، ادبیات مقاومت، ادبیات متعهد و ملتزم و ادبیات دفاع مقدس گردید. کاربرد این عناوین به جای یکدیگر و قرار دادن موضوعی ذیل عنوان بدون ارتباط علمی و منطقی کار شایسته‌ای به نظر نمی‌رسد؛ در حالی که برخی از این موارد به عنوان زیر مجموعه در دل مجموعه‌ای بزرگتر قرار دارند که شایسته شناخت و بازنمایی علمی می‌باشند. ما در این جستار، پس از سامان دادن و دسته بندی کردن تعاریف موجود در پی رسیدن به تعریفی شایسته از دل تعاریف موجود بوده ایم تا با

مرزبندی کردن حوزه مضمون و محتوای این تعاریف، گامی در جهت تکامل این شاخه ادبی به سوی جهانی شدن آن برداریم.

### ۱-۱- بیان مسأله

با توجه به رشد و توسعه جوامع در طول تاریخ و شکل‌گیری کشورهای مختلف و نظام‌های جدید که برخی از آنها در پرتو جنگ و جنگ افروزی شکل گرفته‌اند و متعاقب آن مصادیقی چون ظالم و مظلوم، مهاجم و متهاجم پدید آمده‌اند و ادبیات خاص آن شکل گرفته است؛ این سؤال پیش می‌آید که چه تعریف دقیقی همراه با حفظ حدود باید از این عناصر داشت تا جایگاه آن به صورت دقیق شناخته شود؟ ادبیات جنگ، ادبیات پایداری و مقاومت و ادبیات دفاع مقدس، مقوله‌هایی هستند که این نوشته در صدد تعریفی منطقی برای آنهاست تا حدود هر یک به درستی شناخته شود.

### ۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

در حال حاضر که بسیاری از کشورهای جهان امروز، آماج تهاجم و دسیسه‌های کشورهای قدرتمند غربی هستند و ملت‌های آنها با فداکاری و رشادت در مقابل متجاوزان ایستاده و کشته می‌شوند، و شاعران و نویسندگان و ادیبان آنها، در همین زمینه به نگارش رویدادهای تلخ و شیرین این وقایع می‌پردازند؛ ضروری می‌نماید که تحقیقی این‌گونه شکل بگیرد تا جبهه حق از ناحق لاقبل در تعاریف و تعبیر مشخص شود. شناخت قداست پایداری کشورهای مورد تجاوز در مقابل دسیسه‌بازان مکار و حيله‌گر روزگار، انگیزه‌ای خواهد بود تا ضمن اینکه مردم این کشورها به پایداری و ایستادگی در مقابل هر ظلمی، اعم از خارجی و داخلی فداکارانه ادامه دهند؛ مردم کشورهای دیگر نیز به تأسی از آنها ترغیب شوند و زمینه را برای رفع هر نوع ظلم و ستمی از جوامع مظلوم فراهم کنند.

### ۱-۳- پیشینه تحقیق

از آنجا که ادبیات پایداری، به عنوان یک رشته علمی مراحل آغازین شکل‌گیری خویش را می‌گذرانند، هنوز بر سر تعاریف و مصادیق آن اتفاق نظر نهایی انجام نشده و پژوهشگران و محققان در حال تحقیق و بررسی هستند. در مقالات متعدّد

و کتاب‌های معدودی، به تعاریفی از ادبیات پایداری و مقاومت اشاره شده است ولی تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه انجام نشده است که در این مقاله به نقل این تعاریف و بررسی آنها نیز پرداخته شده است.

## ۲- بحث

### ۲-۱- ادبیات مقاومت

پیش از ورود به حوزه ادبیات جنگ و زیر مجموعه های آن، به اصطلاح ادبیات مقاومت می پردازیم. با نگاهی اجمالی به ادبیات مقاومت عرب و ادب پایداری در ایران، چنین به نظر می رسد که ادبیات مقاومت، معنایی مترادف با ادبیات پایداری داشته باشد. در فرهنگ معین، ذیل واژه مقاومت آمده است «ایستادگی» و ذیل واژه پایداری آمده است «مقاومت، ایستادگی، دوام و توان» (معین، ۱۳۸۸: ذیل واژگان). اما نکته ای که در باب معنی کردن این دو واژه وجود دارد، این است که مقاومت، واژه ای عربی است و جایگاه استفاده از آن در ادب عربی است و پایداری، واژه ای فارسی است و جایگاه استفاده از آن در ادب فارسی است. در واقع این دو واژه، دو مصداق از معنایی بزرگ در دو زبان متفاوت اما نزدیک به هم هستند که حوزه کاربرد زبانی و فرهنگی مشابه، باعث ورود و نفوذ یکی در دیگری شده است. جست و جوی پیشینه ادبیات مقاومت از لحاظ مضمون و محتوی، ما را به حماسه های قرن دوم هجری می رساند نوشته اند «نخستین کسی که در تاریخ ادبیات عرب کتابی با عنوان حماسه نوشت، ابو تمام طایی بود که در قرن دوم هجری می زیسته کلمه حماسه از شجاعت و دلاوری و نبردهای بی امان سخن می گوید. شعرهای حماسی که در عین حال شعر مقاومت نیز به شمار می آیند، گستره تاریخ را پر کرده اند در این گونه شعرها دعوت به صبر و ثبات و استقامت در برابر دشمنان هدف اصلی است (بیدج، ۱۳۸۹: ۱۷). ترابی درباره پیشینه کاربرد اصطلاح ادبیات مقاومت می نویسد «اگر چه اصطلاح ادبیات مقاومت جدید و مربوط به سده معاصر است با نگاهی دقیق به تاریخ ادبیات معاصر جهان به راحتی می توان نمونه های فراوانی از این ادبیات را بین

آثار ادبی پیشینیان به دست آورد ... برای نخستین بار، نویسنده معاصر فلسطینی غسان کنفانی (۱۹۷۲-۱۹۳۶) نام مجموعه ای از شعرها و داستان‌های شاعران و نویسندگان معاصر فلسطینی را ادبیات مقاومت فلسطین گذاشت و بدین ترتیب اصطلاح ادبیات مقاومت در بین شاعران و نویسندگان عرب و بعد از آن در جهان رایج شد؛ ادبیاتی که به شرح و بیان مبارزه پایداری، از جان گذشتگی و درد و رنج مردم مبارز جهت به دست آوردن آزادی استقلال و رسیدن به برابری و از بین بردن جور و ستم و کوتاه کردن دست متجاوزان و اشغالگران از سرزمین نیاکانی خود و دفاع از فرهنگ و سنت‌های قومی و حمایت از دین و باورداشت‌های مردم آن سرزمین است (ترابی ۱۳۸۹: ۷). دکتر سنگری نیز به نقل از پژوهش‌هایی در تاریخ و ادب می‌نویسد «عنوان ادب المقاومة در دهه شصت در ایران کاربرد یافت و معادل فارسی آن ادبیات پایداری نیز به کار رفت این عنوان نخستین بار در جریان مبارزات ضد استعماری مردم مغرب عربی به خصوص الجزایر رایج شد» (سنگری، ۱۳۸۹: ۱۸) نویسنده سپس یاد آور می‌شود که مفهوم پایداری، هرچند در آغاز معنایی کاملاً نزدیک و حتی مساوی با مقاومت داشت اما به تدریج مرزها و فاصله‌هایی با آن یافت (همان).

در واژه نامه هنر داستان نویسی، ذیل ادبیات مقاومت می‌خوانیم «ادبیات مقاومت به شعرها، داستان‌ها، نمایش نامه‌ها، سرودها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است. معمولاً این نوع آثار، در دوره خاصی به وجود می‌آیند و اگر هنرمندان پرداخت شوند، از حیطة تنگ ادبیات قومی و ملی بیرون می‌آیند و به صورت شاهکارهای ادبیات، ماندگار می‌شوند. ادبیات مقاومت، معمولاً به توصیف دلوری‌ها و جدال‌ها و از خود گذشتگی‌هایی می‌پردازد که ملتی یا قومی بر ضد ملتی یا قومی که اغلب اشغالگر یا متجاوز است از خود نشان می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۷۹). با توجه به گستره‌ای که برای ادبیات مقاومت در نظر گرفته‌اند باید گفت که جای دو اصل کلی در تعریف فوق خالی است؛ اول، تعبیر و تعریف از دوران خاص به دوران جنگ و درگیری و

رویاری دو جامعه با یگدیگر و دیگر؛ اشاره به این امر مهم که ادبیات مقاومت علاوه بر ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم، پس از جنگها نیز به انتقال ارزشها و مفاهیم ملی و وطنی و ملی مذهبی به نسل های آینده می پردازد؛ از این رو، عده ای ادبیات مقاومت که گاه از آن به ادبیات جنگ نیز تعبیر کرده اند سه زمان را در نظر گرفته اند: ۱- ادبیاتی که پیش از جنگ به وجود می آید (هشدارها) ۲- ادبیاتی که در حین جنگ ایجاد می شود (ترغیب و تشویق به مقاومت و پیروزی) ۳- ادبیاتی که پس از جنگ نوشته می شود (پی آمدها، سوگیریها، انتقال وقایع و حقایق به نسل های آینده و جهان بشریت). غالی شکری در این باره تعریفی جامعتر ارائه داده و می نویسد «ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری اطلاق می شود که از زشتی ها و فجایع مستکبران داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می گوید. برخی از این آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ یا پس از گذشت زمان به نگارش چگونگی آن می پردازد (غالی شکری، ۱۳۶۶، ۱۰).

تعریف غالی شکری نسبت به تعاریف دیگر، کامل تر است. زیرا هم به زمان بی مرز برای انتقال فرهنگ پایداری اشاره دارد، هم متجاوزان داخلی و خارجی را مدنظر گرفته هم بازتاب حوادث را در حوزه های چهارگانه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع. در قالب ادبیات و زبان ادیبانه مطرح کرده است.

بار باراهارلو (Barbara Harlo) نیز در کتاب ادبیات مقاومت، تعریفی از شعر مقاومت ارائه کرده است «شعر مقاومت، واکنش جمعی را در برابر سلطه ظلم بسیج می کند. شعر مقاومت، شعر پویا بوده که می تواند کانالی برای بیان حرف های ستمدیده به ستمگر باشد. شعر مقاومت، برخلاف قواعد مرسوم ادبی غرب است و از حصار تنگ شخصی بیرون می آید و پیامی جهانی می یابد (محمدی روز بهانی، ۱۳۸۹: ۲۶).

در این تعریف نیز به جهانی بودن نگاه شاعر و بیرون آمدن از پبله احساسات فردی اشاره شده است. به طور کلی، بارزترین خصوصیت ادب مقاومت جهانی و فرامرزی بودن آن است. هر کدام از پژوهشگران از زاویه ای به ادب مقاومت

پرداخته‌اند که در بسیاری از این دیدگاه‌ها با یکدیگر مشترکند. نکته قابل توجه این است که تعریف ادبیات پایداری، جدای از ادب مقاومت نیست. ادبیات مقاومت و پایداری، جزیی از ادبیات بزرگ جنگ، به معنای عام و فراگیر آن هستند که با دیدگاهی حق‌پرور و مظلوم محور سعی دارند جامعه‌ای را به تصویر بکشند که مورد ظلم و ستم واقع شده، به جهت متجاوزنگاهی بدبینانه و منفی دارد. اگرچه به مهاجم نیز آسیب وارد می‌شود اما این آسیب را از نوع خود خواسته و نتیجه طبیعی دفاع در مقابل تجاوز آنها می‌داند، پیامی جهانی و فرامرزی دارد و با ایدئولوژی دینی و مذهبی و نگاه به آینده موعود درآمیخته است.

#### ۲-۲- ادبیات جنگ

از گذشته‌های دور تاکنون، جنگ‌ها رد پای پررنگ در دور دست‌ترین نقطه‌های تاریخ جوامع بشری داشته‌اند، جنگ‌هایی که گرد و خاک، هياهو، ظالمان و صدای آزادی خواهی مظلومانشان، لابلای کتب تاریخ و ادبیات باقی مانده است. رشد تمدن و پیشرفت جوامع و فرهنگ انسانی نه تنها از این پدیده غیر انسانی نکاسته، بلکه گویی هرچه تمدن بشری و نگاه او به افق‌های دور دست زندگی، بین انسان‌ها و جوامع رشد و گسترش یافته درگیری و کشمکش بین انسان‌ها و جوامع نیز با ابزارهایی مدرن تر و سیاست‌هایی گسترده تر نیز رشد و گسترش یافته. صنعتی به نقل از کتاب جامعه‌شناسی جنگ آورده است «جنگ آفریننده تاریخ است و در واقع تاریخ صرفاً با شرح کشمکش‌های مسلحانه آغاز شده و بعید است که این پدیده زمانی کاملاً از بین برود؛ زیرا جنگ‌ها به هر حال مشخص‌ترین مبادی تاریخ و در عین حال مرزهایی هستند که مراحل مهم مواریث را از یکدیگر متمایز می‌کنند. تقریباً همه تمدن‌های معروف در اثر جنگ از بین رفته‌اند. تمام تمدن‌های جدید نیز با جنگ پا به عرصه وجود نهاده‌اند (گاستول بوتول، ۱۲۵). گاستول بوتول، ضمن هدفدار معرفی کردن پدیده جنگ، معتقد است هرگاه در مطالعه جنگ از علیت و وقایع نگاری دور شویم پای ادبیات به میان کشیده می‌شود. فراز و نشیب و تحوّل جوامع در طول تاریخ که در اثر ایجاد حکومت حاکمان جور و سلطه طلبان زر و زور و مظلومیت اقشار وسیع مردم

ایجاد شد، با باز گو کردن این حوادث، سیل خروشان را در بستر ادبیات جوامع جاری کرده است که به ادبیات جنگ اشتهار دارد. ادبیات جنگ، ادبیاتی است در بر گیرنده تمامی آثار مربوط به اصل یک حادثه بزرگ به نام تهاجم. بازتاب این تعریف کلی را در دانشنامه ادب فارسی می توان دید: «نوشته هایی که به نوعی به مسأله جنگ و مقوله های مرتبط با آن می پردازد» (انوشه، ۱۳۷۶: ج ۲). حال چه این انعکاس از سوی مهاجم باشد یا مدافع، ضد جنگ باشد یا ستایشگر آن. «ادبیات جنگ، اعم از صورت گسترده یا پارتیزانی آن، تصویر صحنه هایی جاندار همراه با درس پایداری است که مرز نمی شناسد و در جغرافیای خاصی محصور نمی ماند (صنعتی، ۱۳۸۹: ۱۴). اما دکتر کوثری، بر اساس دیدگاه عالی شکری، در روشن کردن حدود و ثغور ادبیات جنگ دو نکته را مطرح کرده است: ۱- ادبیات جنگ هم شامل آن دسته از آثاری می شود که مستقیماً به توصیف جنگ (رزمندگان وقایع و صحنه های جنگ می پردازند و هم آن دسته که غیر مستقیم مسایل مربوط به جنگ نظیر مهاجرت بمباران شهرها خانواده رزمندگان را توصیف می کند. ۲- ادبیات جنگ، نه تنها شامل آثار ادبی تولید شده در صحنه های جنگ و زمان جنگ بلکه آثار تولید شده در خارج از صحنه های نبرد و زمان پس از جنگ را هم در بر می گیرد» (کوثری، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

در کتاب «ادبیات دفاع مقدس» نیز آمده است «این اصطلاح (ادبیات جنگ) دامنه ای بسیار گسترده و فراگیر دارد و هر آنچه را که در جنگ تولید می شود و وجهه ادبی دارد، شامل می شود. نویسندگان سپس اجزای ادبیات جنگ را به وجهه دشمن، وجهه خودی و مخالفان با جنگ تقسیم می کند و می نویسد «در ادبیات جنگ چون معیار خود جنگ است نه معیارهای دیگر، هر دو وجهه مساوی در نظر گرفته می شود؛ در اینجا ادبیات اثر مطرح است نه ارزش و سو گیری اثر اگر داوری در ادبیات جنگ صرفاً متکی بر عنصر انسانی باشد که معمولاً هست. کشتن سرباز دشمن یا زخمی شدن او نیز تراژیک و غم انگیز و محکوم است. در ادبیات، جنگ مرز میان ظالم و مظلوم و مهاجم و متهاجم فرو می ریزد (سنگری، ۱۳۸۹: ۱۶). در این نوشتار، نویسنده علاوه بر تقسیم بندی وجهه جنگ به وجهه

خودی، دشمن و مخالفان جنگ، به این نکته اساسی توجه می‌کند که در تعریف از ادبیات جنگ و دفاع از هر دو جبهه، نباید این اصل مسلّم را از نظر دور داشت که متجاوزان زورگو حتی در محدوده ادبیات نیز مستحقّ دلسوزی و ستایش نیستند؛ چرا که اگر زیاده خواهی، تکبر و تجاوز سردمداران زر و زور و آتش افروزی آنها نبود، ملت‌های بی‌گناه در آتش جنگ و قهر نمی‌سوختند؛ بنابراین، باید در حیطه ادبیات، مرز این دو را از هم جدا کرد تا با توجه به فراگیر بودن مفهوم ادبیات جنگ در حوزه های مدافع و مهاجم و ستایشگر و ضد جنگ حقوق انسانی جوامع و زشتی و پلشتی حرکت افروزندگان آتش جنگ از نظر نسل‌های آینده و عبرت گیرندگان از آن دور نماند. چرا که ما معتقدیم ادبیات پایداری، ادبیاتی متعهد و ملتزم است. ژان پل سارتر در این زمینه سخن زیبایی دارد. او می‌نویسد «غرض از ادبیات، تلاش و مبارزه است برای نیل به آگاهی، حقیقت و آزادی انسان. و از این روست که نویسنده در مقابل عملی که انجام می‌دهد مسئول است. برای چه می‌نویسد؟ و دست به چه اقدامی زده است؟ و چرا این اقدام مستلزم توسّل به نگارش بوده است» (سارتر، ۱۳۴۸: ۳۵).

از این سو، بزرگترین وظیفه ادبیات مقاومت، رساندن صدای مظلومان به جهانیان و دفاع از حقوق پایمال شده مادی و معنوی آنهاست و از دیگر سو، ملت‌هایی که قربانی آتش جنگ افروزی دولت‌هایشان می‌شوند صدایشان در همین ادبیات بازتاب می‌یابد. قلم زدن در همین حوزه‌های متفاوت است که شاخه های گوناگون ادبیات جنگ را ایجاد می‌کند؛ بر همین اساس می‌توان گفت که ادبیات پایداری مربوط به آن قسمت از ادبیات جنگ است که در دفاع از مظلومان و با هدف ستایش آزادی و برابری انسانی شکل می‌گیرد و با عنصر تعهد و التزام در هم می‌آمیزد تا از تمامی حقوق انسان‌ها در مقابل متهاجمان زورگو برای به دست آوردن جامعه آرمانی که سرشار از عدالت و آزادی است دفاع کند. اگرچه وجه غالب در ادبیات پایداری محوریت جامعه مظلوم است اما اشاره شد که در ادبیات جنگ نیز، آنجا که مردم ساکن در جوامع متجاوز به دور از دخالت در تصمیم‌گیری حکومت‌ها در آتش افروخته شده جنگ می‌افتند، نه انگیزه

جنگ دارند و نه قدرت دفاع و همواره در چرایی حوادث دست و پا می‌زنند. انعکاس زندگی و آسیب‌های ناشی از جنگ، بر زندگی این افراد نیز در حوزه ادبیات جنگ قابل طرح و بازگویی است.

## ۲-۱-۲- ادبیات پایداری

بحث اصلی ما در این جستار، پیدا کردن تعریفی دقیق از ادبیات پایداری و حدود آن است. همانگونه که اشاره شد، ادبیات پایداری زیر شاخه ادبیات جنگ است و به حوزه دفاع و ایستادگی مهاجم در مقابل مهاجم شکل می‌گیرد؛ اما عده‌ای هم وسعت حوزه معنایی پایداری را از این فراتر برده و آن را به صورت زیر تقسیم بندی کرده اند:

۱- پایداری درونی که در اثر کشمکش انسان با خود و پایداری در برابر نفس به وجود می‌آید. اهمیت این نوع پایداری به اندازه ای است که در متون دین از آن به جهاد اکبر تعبیر شده است؛ اما ادبیات شایسته آن به طور مجزا تعریف و ایجاد نشده است. به همین دلیل عده ای آن را با مصادیق دیگر پایداری در هم آمیخته اند. ۲- پایداری بیرونی که شامل پایداری در برابر درگیری و کشمکش انسان با خود، کشمکش انسان با جامعه، کشمکش انسان با انسان، کشمکش انسان با عوامل ما بعد الطبیعی، کشمکش انسان با طبیعت و کشمکش جوامع با یکدیگر است. عدم تعریف درست و مرزبندی دقیق باعث شده است که عده‌ای آثاری را که در آن انعکاسی از پایداری و پایداری انسان در برابر تمامی عوامل تهاجم چه درونی و چه بیرونی از هر نوع باشد، جزو ادبیات پایداری قلمداد کنند. کنفانی می‌نویسد: «تمامی اثرهای ارزنده دارای عنصر پایداری هستند» (کنفانی، ۱۳۶۱: ۳). اگر چه این دیدگاه از منظری کلی و عام نگر، پذیرفتنی است، اما طبقه بندی، نام گذاری و جا دادن مفاهیم ذیل موضوع مرتبط کاری است که اهل علم و فن باید به آن پردازند. جهان شمول بودن یک تعریف دور از قاعده های دانش است و گسترش بی حد و مرز آن، نه تنها موجب گم شدن مصادیق در حوزه بی مرز تعاریف می‌شود، بلکه با جابجایی عناوین و کاربرد آن به جای یکدیگر به جایگاه علمی آن لطمه وارد کرده و منجر به

سردرگمی محققان و بی‌اعتمادی مخاطبان می‌شود. دکتر سنگری در خصوص این تعاریف می‌نویسد «می‌توان دامنه ادبیات پایداری را به هر نوع ایستادگی و رویارویی انسان که در قالب شعر و نثر بروز و ظهور می‌یابد، گسترش داد در این صورت، سروده‌های نخستین انسان در ستیز با عناصر طبیعت و عوامل مرموز مؤثر در سرنوشت، نوشته‌ها و سروده‌هایی که ستیز انسان با خویش و خواهش‌های شکننده و اسارت‌آفرین را بازمی‌گویند و همه آثاری که به جنگ‌های تاریخ ملت‌ها برمی‌گردند، در قلمرو ادبیات پایداری قرار می‌گیرند؛ اما این شیوه تحلیل و تبیین و اعتقاد به چنین میدان فراخ و بی‌مرزی نه علمی است و نه منطقی (فروغی جهرمی، ۱۳۸۹، ۴۶۴)؛ بنابراین، ضرورت رسیدن به تعریفی جامع و مانع از ادبیات پایداری رخ می‌نماید تا مرزهای علمی و کاربردی و زیرمجموعه‌های آن مشخص شود.

برای حصول این معنی، ابتدا برخی از تعاریف مطرح شده از سوی پژوهشگران به اجمال بررسی می‌شود تا با معرفی زیرمجموعه‌ها به تعریف دقیقی از آن دست‌یابیم. کاکایی در بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در تعریف ادبیات پایداری می‌نویسد «سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین است (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹). در این دیدگاه، نویسنده، پایداری را به معنای خاص آن یعنی پایداری در صحنه‌های نبرد و در مقابل متجاوزان به کار برده و در بسط کتاب به ارائه تعاریفی از شعر جنگ و شعر پایداری می‌پردازد و می‌نویسد «شعر پایداری، جدا از دلالت‌های موضوعی، از منظر فلسفه و علوم نظری، به شعری اطلاق می‌شود که محصول همدلی میهنی با قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری است... سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزان است» (همان: ۹). در این تعاریف، به ویژگی‌های کلی و عمومی ادب پایداری اشاره شده است. دکتر مددپور در مقاله‌ای با نام «تأملاتی در باب ماهیت و ذات هنر و ادبیات انقلاب و دفاع مقدس» می‌نویسد: «از دیدگاهی ابتدایی، ادبیاتی را که در موضع ستیز با عالم و وضع موجود است، می‌توان ادبیات

مقاومت یا پایداری تلقی کرد. نفی وضع ظالمانه موجود یا نفی عوامل بیگانه که حافظان وضع موجودند در چنین ادبیاتی به صورت شفاهی یا مکتوب تجلی می‌کند. نهایت ادبیات مقاومت (پایداری)، جست‌وجوی عالم موعود است و مقدمه رسیدن به چنین عالمی قدر مسلم، ستیز با وضع موجود و حافظان آن است» (کمری، ۱۳۸۰: دفتر اول) اشاره به هدف نهایی پایداری جوامع که رسیدن به عالم موعود و فتح و ظفر پس از تحمّل سختی‌های انکار ناپذیر ستیز و پایداری است، یکی از برجستگی‌های تعاریفی از این دست می‌باشد. ادبیات پایداری و ادبیات انتظار، چنان در هم تنیده‌اند که تغییر وضع موجود در انتظار رسیدن به عالم موعود از اهداف بزرگ پایداری ملت‌ها در مقابل متجاوزان بوده است. در مقاله‌ای از مهدی کاموس اشاره شده است که انتظار موعود در دیگر تجلیات ادبیات و تفکر بشری نمود دارد» اما از آنجا که غایت جهان، پیکار بزرگ حق و باطل و پیروزی حق بر باطل و جاری شدن حکومت عدل الهی به دست قیام‌کننده موعود است پیوند معنایی ادب پایداری با تجلی روشن این دیدگاه به تکمیل معنای آن کمک می‌کند.

دکتر بصیری در مقاله «طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری» تعهد، مردم، تحولات و تلاطمات اجتماعی و پیشروان فکری را عناصر اصلی ادب پایداری می‌شمرد و می‌نویسد «ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آنها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید (بصیری، ۱۳۸۴: ۸۹). اهمیت عنصر تعهد در پرداختن به ادبیاتی که خود را در جبهه حق در رویارویی با باطل می‌داند تا جایی است که گاهی نام ادبیات متعهد نیز به آن اطلاق می‌شود و در تعریف آن در فرهنگ زبان فارسی آمده است «گونه‌ای از ادبیات منظوم یا منثور است که متعهد و ملتزم به پرداختن به آرمان‌های اقشار فرودست جامعه و در خدمت آزادی یا عدالت است (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). با توجه به تعریف ادبیات متعهد که آن را ملتزم به پرداختن به آرمان‌های اقشار فرودست جامعه (مظلومان) و در خدمت آزادی و عدالت می‌داند، باید گفت که

ادبیات پایداری، رود خروشان‌انی است که از دل ادبیات جنگ بیرون می‌آید و به عنصر تعهد و التزام آراسته می‌شود. همین تعهد و التزام اهل قلم به مبانی اعتقادی و اخلاقی که ریشه در دیانت و مذهب‌گرایی دارد، موجب ایجاد و بسط درون‌مایه پایداری در برابر هجمه دشمن است. پایداری که با هدف غایی ایجاد عدل در جوامع بشری به امید رسیدن به جامعه موعود صورت می‌گیرد. سجودی نیز در گفتاری از ساختار شعر پایداری در تعریف آن آورده است «شعر پایداری گونه‌ای از شعر است که در آن مفاهیم اعتراض و مقاومت اجتماعی، جنگ در مقابل تجاوزگران و انقلاب در مقابل سلطه‌گران غلبه دارد. با چنین تعریفی خواستگاه شعر پایداری، اجتماعی است و این نوع ادبی، از دل رویدادهای ویژه-ای، که در یک جامعه رخ می‌دهد، بروز می‌کند (سجودی، ۱۳۸۵: ۱۵۹). نوعی رشد یافتگی در اندیشه و قلم پدیدآورندگان و مخاطبان این ادبیات به چشم می‌خورد که ریشه در خاستگاه مردمی و اجتماعی آن دارد. عافیت‌طلبی و خودمحوری و فرورفتن در ژرفای احساسات شخصی بدون ارتباط با جهان در حیطه این ادبیات جایگاه ندارد. ادبیات پایداری، با ثبت حقایق جنگ بر مبنای شناخت شناسی محتوایی، هم از جنگ و هم از ادبیات در بستر انتقال فرهنگ، جریان‌ساز شده است و با رشد زمینه‌های نقدپذیری و آسیب‌شناسی همه‌سو نگرانه، به سمت جهانی شدن پیش می‌رود.

تعاریف دیگری از ادبیات پایداری در مقالات پراکنده صورت گرفته است که یا شبیه همین مضامین را مطرح می‌کند و یا در پراکندگی و گستردگی تعریف می‌ماند و به مرز تعاریف دیگر نزدیک و یا وارد می‌شود. بر اساس تعاریف صورت گرفته، عناصر اصلی ادب پایداری را به صورت زیر می‌توان برشمرد: ۱- ادبیات پایداری، متعلق به ایران و پایمردی ایرانیان در برابر متجاوزان زورگو است. ۲- در این نوع ادبیات، رویارویی و پایداری جهت‌حق یا مظلوم و مورد تجاوز در مقابل طاغوت‌ها و زورگویان زمان انعکاس پیدا می‌کند. ۳- تعهد و التزام به عقاید و باورهای اسلامی و انسانی که موجب حفظ حریم‌های انسانی حتی در میدان‌های جنگ می‌شود، در این ادبیات بازتاب دارد. ۴- این ادبیات

خاستگاه مردمی و اجتماعی دارد و از لحاظ ساختارهای فکری از دوره‌ای تا دوره دیگر متفاوت است. ۵- امید به ایجاد مدینه فاضله و رسیدن به جامعه موعود و انتظار موعود منتظر بر اساس تفکر شیعی از عناصر برجسته ساز این ادبیات است.

### ۲-۲-۲- ادبیات دفاع مقدس

ادبیات دفاع مقدس که یکی از زیر مجموعه های ادبیات پایداری ایران است، ترکیبی است بدیع و نامی است نیکو که در شناسنامه فرزند پایداری ملت ایران با دارا بودن تاریخ و جغرافیای مشخص به ثبت رسیده است. پیش از این، به حوزه معنایی وسیع پایداری و لزوم تفکیک زیر مجموعه های آن از هم اشاره شد. شناخته شده ترین مفهوم ادبیات پایداری، تعریف آن به شاخه ای از ادبیات جنگ است که با عنصر تعهد و محوریت مردم مظلوم حق طلب برای رسیدن به عدالت و آزادی واقعی که مشخصه جامعه آرمانی موعود است شکل می گیرد. ادبیات پایداری، مفهومی عام از ادبیات پایداری تمامی ملت هاست. اما زمانی که سخن از ادبیات دفاع مقدس به میان می آید، با مفهومی خاص سر و کار داریم که از دو عنصر آشنای «دفاع» و «مقدس» تشکیل شده است. دفاع مقدس در ادامه آزادی خواهی اسلامی و تحول بزرگ انقلاب در ایران سر برآورد و بالیدن گرفت. باید توجه داشت که فقط آثاری در حوزه ادبیات دفاع مقدس قرار می گیرند که با نگاهی به ارزش ها و باورهای مقدس دینی که منشأ ظهور این دفاع بوده شکل گرفته اند و آثاری که با نگاه منفی و بدبینانه نوشته شده اند، در زیر گروه ادبیات جنگ قرار می گیرند.

در مقاله «نگاهی دیگر پیرامون ادبیات دفاع مقدس و جنگ» آمده است «ادبیات دفاع مقدس از مرحله پیدایی و نمو تا حال، خاستگاه جبهه ای داشته و جهت و جان مایه آن از فضای گذشته شده جنگ و دنیای آرمانی رزمندگان متأثر است اصلاً بخش معتناهی از این آثار از قلم ایشان یا با واسطه حضور و تجربه نویسندگان و شاعران در مناطق عملیاتی حاصل شده است در اینجا وجه غالب و رایج مورد نظر است؛ زیرا به همان سان که نگرش تاریخ نگاری جنگ دو شیوه- و شاید بتوان گفت مکتب- تقریباً جداگانه قابل تشخیص را نشان می دهد، این

امکان وجود داشت که ادبیات دفاع مقدس و نه حتی جنگ نیز در طیف و گونه متفاوت تحقق یابد. مقایسه نمونه های اندک انتشار یافته از دست نوشته ها و یادداشت های سربازان ارتش و دیگران با داوطلبان بسیجی این تفاوت نگاه و نگارش را آشکار می سازد؛ بنابراین، ادبیات دفاع مقدس، به محدوده شناخته شده و تعریف شده خاصی از کلیت ادبیات جنگ ایران و عراق نظر دارد (کمری، دفتر اول ۱۳۸۰) دکتر سنگری نیز وجه نام گذاری دفاع مقدس را در این می داند که ما به حکم مقبول بین المللی، آغازگر جنگ نبودیم و در مقابل تهاجم صدام، به دفاع و پایداری پرداختیم و دیگر اینکه دفاع ما مبتنی بر باورها و اعتقادات و ارزش های دینی، به ویژه شیعی بود و برای این امر، دلایلی می آورد که در فرهنگ هشت سال دفاع آشکار است از جمله شعارها، نام عملیات ها، جلوه ها و شعائر درون جبهه که ریشه در باورهای اسلامی دارد و سپس می نویسد «ادبیات دفاع مقدس، به ادبیاتی اطلاق می شود که درباره مقاومت و ایستادگی و دفاع مبتنی بر ارزش های دینی و الهی است. این ادبیات، ادبیات ضد جنگ است؛ چون دفاع ضد جنگ است. بنابراین، ادبیات ضد دفاع مقدس را نمی توان ادبیات ضد جنگ نامید و این مرز ظریف دقیق و باریکی است که بسیاری از تحلیلگران یا گویندگان بدون رعایت حریم معنایی واژه هابه کار می گیرند. ادبیات جنگ غیر دفاع مقدس را نیز نمی توان ادبیات ضد دفاع مقدس نامید (سنگری، ۱۳۸۹: ۲).

وجوه قداست دفاع در ریشه جهادی آن نهفته و ادبیات آن بر محور مفهوم جهاد و شهادت شکل گرفته است. ادبیات دفاع مقدس، ریشه در باورهای مقدس آسمانی دارد؛ باورهایی چون دفاع از ناموس و کیان کشور که همان جهاد در راه خدا و پیکار با متجاوزان زورگو است؛ جهادی که نتیجه آن، شهادت و لقاءالله است. بدیهی است ادبیاتی که در اثر این نوع نگاه شکل می گیرد، ادبیاتی است سراسر شرح دلاور مردی ها و پایداری ها. یأس و نومیدی و ترس از مرگ در آن جایی ندارد، قهرمان این ادبیات در شرایطی با دشمن روبرو می شود که به جای فرار از مرگ و ترس از نیستی و عدم و بدون انگیزه های مادی برای رسیدن به شهادت در راه آزادی وطن که با انگیزه الهی شکل گرفته از دیگران پیشی می گیرد. با

توجه به موارد مطرح شده، عناصر زیر را برای ادبیات دفاع مقدس می‌توان در نظر گرفت: ۱- ادبیات دفاع مقدس ادبیاتی است که مربوط به حوزه مشخصی از جنگ تحمیل شده از سوی عراق به ایران است. ۲- قهرمان این ادبیات با انگیزه دفاع و در آرزوی شهادت می‌جنگد. ۳- قداست این دفاع ریشه در تفکر جهادی و شیعی دارد. ۴- ساختار مفهومی این ادبیات بین دو محور واقعه عاشورا و الگوهای آن تا رسیدن به حکومت جهانی مهدی موعود واقع شده است.

### ۳- نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش بالا را در این نکات می‌توان خلاصه کرد:

- ۱- ادبیات پایداری و مقاومت، از لحاظ مضمون و محتوی با هم مترادف هستند، که نزدیکی فکری و فرهنگی و زبانی، باعث به کار رفتن آنها به جای یکدیگر شده است. بهتر است که ادبیات پایداری برای زبان فارسی و ادب المقاومة، برای زبان عربی به کار رود.
- ۲- ادبیات جنگ، نگاهی فرامرزی و جهانی به ابعاد گسترده درگیری بین کشورها دارد و آسیب‌ها و آشوب‌های هر دو جبهه (مهاجم و متهاجم) را مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهد.
- ۳- ادبیات پایداری، زیر شاخه ادبیات جنگ (به مفهوم عام آن) است و ادبیات دفاع مقدس، زیر شاخه ادب پایداری است که در تقسیم‌بندی آثار مربوط به هر کدام باید این سلسله مراتب در نظر گرفته شود.
- ۴- آنگاه که ادبیات جنگ با عنصر التزام و تعهد در هم می‌آمیزد و دوربین آن وارد جبهه حق که در پیکار با متجاوز است؛ وارد می‌شود، ادب پایداری شکل می‌گیرد.
- ۵- ادبیات دفاع مقدس، منظری از ادبیات پایداری ایران با تاریخ و جغرافیایی مشخص است که به خاطر غلبه تفکرات مذهبی و شیعی و نگاه به جامعه موعود و توجه به اصل شهادت و جهاد، وجهه قداستی یافته است.

### فهرست منابع

۱. بصیری، محمد صادق. (۱۳۸۴)، طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری، نامه پایداری، کرمان: نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۲. بیدج، موسی. (۱۳۸۹)، مقاومت و پایداری در شعر عرب، تهران: نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۳. ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۹)، آشنایی با ادبیات مقاومت جهان، تهران: نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۴. سارتر، ژان پل. (۱۳۴۸)، ادبیات چیست، ترجمه ابوالحسن نجفی، تهران: نشر کتاب زمان.
۵. سجودی، فرزانه. (۱۳۸۵)، ساختار شعر پایداری، بیناب، شماره دهم، ص ۱۵۸.
۶. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۵)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد اول، تهران: نشر پالیزان.
۷. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹)، ادبیات دفاع مقدس، تهران: نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۸. شریفی، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: نشر معین.
۹. شکری، غالی. (۱۳۶۱)، ادب مقاومت، ترجمه محمدحسین روحانی، چاپ اول، تهران: نشر نو.
۱۰. صنعتی، محمدحسین. (۱۳۸۹)، آشنایی با ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۱. فروغی جهرمی، محمد قاسم. (۱۳۸۹)، مقوله‌ها و مقاله‌ها (جلد دوم)، تهران: نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۲. کاکایی، عبد الجبار. (۱۳۷۹)، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران: نشر پالیزان.
۱۳. کاموس، مهدی. (۱۳۸۳)، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دومین کنگره فرهنگ ادبیات و شهادت، تهران: نشر شاهد.
۱۴. کمری، علیرضا. (۱۳۸۰)، نام آورد، دفتر اول، تهران: نشر حوزه هنری.
۱۵. کنفانی، غسان. (۱۳۶۱)، ادبیات مقاومت، تهران: نشر سروش.
۱۶. کوثری، مسعود. (۱۳۷۹)، تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات، تهران: مرکز باز شناسی اسلام و ایران.

۱۷. گاستون، بوتول. (۱۳۷۴)، **جامعه‌شناسی جنگ**، ترجمه هوشنگ فرخجسته، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. محمدی روزبهانی، محبوبه. (۱۳۸۹)، **قسم به نخل، قسم به زیتون، بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین**، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۹. معین، محمد. (۱۳۸۸)، **فرهنگ فارسی**، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر امیرکبیر.
۲۰. میر صادقی، میمنت. (۱۳۷۹)، **واژه‌نامه هنر داستان نویسی**، نشر مهناز.